

Russia Multilateralism in Asia-Pacific: A Case Study of ASEAN and APEC

Asgar Safari

Corresponding Author, Ph. D candidate in international relation, Faculty of Literature and Humanities Department of Political Science, Guilan University, Guilan, Iran.
asgar.safari2017@gmail.com

Seyed Amir Niakooee

Associate Professor, Faculty of Literature and Humanities Department of Political Science, Guilan University, Guilan, Iran. niakooee@gmail.com

Masoumeh Rad Goudarzi

Assistant Professor, Faculty of Literature and Humanities Department of Political Science, Guilan University, Guilan, Iran. fr.raad1@gmail.com

Abstract

When Vladimir Putin became Russia's president for third time, Russia began to increase its cooperation with Asia-Pacific regional organizations, including the Association of Southeast Asian Nations (ASEAN) and the Asia-Pacific Economic Cooperation Organization (APEC). Although this was not a new initiative and had been pursued in the post-Soviet years in the form of Primakov's idea of a multipolar system, what was new was that Russia's focus shifted from Western organizations to Eastern multilateral institutions. Accordingly, the main question of this research is what is Russia's goal in cooperating with multilateral institutions Asia-Pacific. The results of this study show that while it is important to reap the economic benefits of these institutions due to their influence on the regional and global economy, Russia's cooperation with these organizations should be seen in the context of a larger worldview, suggesting that Russia's interaction with multilateral institutions Asia-Pacific is influenced by its long-standing foreign policy perspective calling for a change (from a U.S.-dominated unipolar to a multipolar order) in the international system.

Keywords: *Russia; Multilateralism, regional organizations, multipolar system*

چندجانبه‌گرایی فدراسیون روسیه در آسیا - اقیانوسیه؛ مطالعه موردی آسه آن و آپک^۱

عسگر صفری

نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران
asgar.safari2017@gmail.com

سید امیر نیاکویی

دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران niakoe@gmail.com

معصومه رادگودری

استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران fr.raad1@gmail.com

چکیده

با روی کار آمدن «ولادیمیر پوتین» به‌عنوان رئیس‌جمهور روسیه برای بار سوم، روسیه شروع به افزایش همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای آسیا - اقیانوسیه، از جمله انجمن ملل جنوب شرقی آسیا (آسه آن) و سازمان همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (آپک) کرد. این موضوع ابتکار جدیدی نبود و در سال‌های پس از فروپاشی شوروی در قالب ایده «نظام چندقطبی پریماکوف» دنبال می‌شد؛ با این حال، ویژگی جدید تغییر تمرکز روسیه از سازمان‌های غربی به نهادهای چندجانبه شرقی بود. بر همین اساس پرسش اصلی پژوهش این است که «روسیه از همکاری با نهادهای چندجانبه آسیا - اقیانوسیه چه هدفی را دنبال می‌کند؟». یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد هرچند که بهره‌بردن از مزایای اقتصادی این نهادها با توجه به تأثیرگذاری آنها در اقتصاد منطقه‌ای وجهانی به‌عنوان یکی از دلایل گرایش روسیه به این نهادهای چندجانبه است، همکاری روسیه با این سازمان‌ها را باید در قالب جهان‌بینی بزرگ‌تری قرار داد و آن هم حاکی از این است که تعامل روسیه با نهادهای چندجانبه آسیا - اقیانوسیه، متأثر از چشم‌اندازی دیرینه در سیاست خارجی این کشور است که می‌خواهد سیستم بین‌المللی را از نظم تک‌قطبی تحت سلطه ایالات متحده به نظامی چندقطبی تغییر دهد. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

واژه‌های کلیدی: روسیه، چندجانبه‌گرایی، سازمان‌های منطقه‌ای، نظام چندقطبی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۶ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۰۶/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۳

فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال ۴، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰، صص ۴۵۳-۴۸۰

مقدمه

در دوران جنگ سرد روابط اتحاد جماهیر شوروی با محیط پیرامون، متأثر از رقابت آن با ایالات متحده بوده و بنابراین، الگوی حاکم بر روابط آن با بازیگران نظام جهانی بیشتر دوجانبه بود. این موضوع بیشتر از مفروض واقع‌گرایانه نشأت می‌گرفت که دولت‌ها بازیگران اصلی نظام بین‌المللی هستند و سایر پدیده‌های موجود در محیط بین‌المللی، از جمله سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش چندانی در پیشبرد امور ندارند. با این حال، پس از فروپاشی شوروی این موضع روسیه کمی تعدیل شد و روسیه در اثر شکل‌گیری ایده‌هایی مانند نظام چندقطبی که بسیار متأثر از افکار «یوگنی پریماکوف» بود به سمت چندجانبه‌گرایی حرکت کرد. به عبارت دیگر، در سال‌های پس از اتحاد جماهیر شوروی، چندجانبه‌گرایی به‌عنوان ابزاری مهم در سیاست خارجی روسیه برای در امان ماندن از خطرات و درد ناشی از ایستادن روسیه در سایه سایر قدرت‌های جهانی، از جمله ایالات متحده بود. به همین دلیل، «بوریس یلتسین» و ولادیمیر پوتین به‌طور مداوم پیوستگی عمیقی با اصول چندجانبه‌گرایی داشتند. با این حال مسئله‌ای که وجود داشت، این بود که در طول دهه ۱۹۹۰، روسیه گسترش همکاری با نهادهای چندجانبه تحت سلطه غرب را عمدتاً برای منافع بلندمدت آن می‌دید. در همین دهه روسیه در شورای اروپا (۱۹۹۶) و در «گروه ۸» (۱۹۹۷) پذیرفته شد و اولین توافق‌نامه‌های جامع خود را با اتحادیه اروپا (۱۹۹۴) و ناتو (۱۹۹۷) امضا کرد. روسیه همچنین در این دوره صندلی دائمی خود را در شورای امنیت سازمان ملل متحد از اتحاد جماهیر شوروی به ارث برد. با این حال با آغاز هزاره جدید، تغییراتی در این

رویکرد ایجاد شد و هدف این بود که روسیه با گسترش نقش خود در سازمان‌های مناطق دیگر، نقش بیشتری در قطب‌بندی نظام بین‌المللی داشته باشد. دکترین سیاست خارجی را که در ژوئن ۲۰۰۰ رئیس‌جمهور امضا کرد، بیان می‌داشت روسیه باید تلاش کند به سیستمی چندقطبی دست یابد که واقعاً تفاوت مردم جهان و علایق آنها را منعکس کند. بر همین اساس در دو دوره ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین در بین سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۴، روسیه به نهادها و سازمان‌های چندجانبه مناطق دیگر، از جمله آسیا - اقیانوسیه و به‌ویژه نهادهایی که در فضای پس از فروپاشی شوروی وجود داشتند توجه زیادی کرد. به‌عنوان مثال، سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری شانگهای و کمیسیون اقتصادی اوراسیا، اهمیت زیادی یافتند. با این حال، پس از بازگشت ولادیمیر پوتین به ریاست جمهوری روسیه برای بار سوم در سال ۲۰۱۲، دامنه و وسعت همکاری‌های روسیه با سازمان‌های فرامنطقه‌ای، از جمله در آسیا - اقیانوسیه افزایش یافت و روسیه اقدام به گسترش همکاری با سازمان‌هایی مانند انجمن ملل جنوب شرقی (آسه آن) و سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا - اقیانوسیه (آپک) کرد. بر همین اساس، پرسش اصلی پژوهش این است که «روسیه از همکاری با نهادهای چندجانبه آسیا - اقیانوسیه چه هدفی را دنبال می‌کند؟»

۱. چهارچوب مفهومی

یک‌جانبه‌گرایی، دوجانبه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی از مفاهیم سهل‌ممتنع در ادبیات روابط بین‌الملل هستند. در ساده‌ترین تعریف؛ یک‌جانبه‌گرایی مبتنی بر اقدام یک کشور است. یک‌جانبه‌گرایی روشی خاص است که با آن یک دولت یا بازیگر سیاسی با محیط بین‌المللی تعامل می‌کند؛ یعنی روشی که به وسیله آن مشکلات بین‌المللی خود را حل و روابط خود را با شرکا و مخالفان مدیریت می‌کند. یک‌جانبه‌گرایی فراتر از جهت‌گیری است که منافع شخصی را به حداکثر می‌رساند و اصلی برای اقدام با هدف محدود کردن تعهدات با حفظ استقلال عمل است. این موضوع را نیز باید مدنظر داشت، درحالی‌که می‌توان یک‌جانبه‌گرایی را به‌عنوان روشی کلی توصیف کرد، تشخیص این نکته مهم است که هر عمل

سیاسی، حداقل در سیاست خارجی و امنیتی، به‌عنوان اقدامی یک‌جانبه و یک‌طرفه است. این بدان دلیل است که در پس هر عمل سیاسی، تعریف یک‌جانبه منافع شخص و دولت وجود دارد (Bertele & Mey, 1998, p. 198). برخلاف یک‌جانبه‌گرایی، دوجانبه‌گرایی مربوط به روابط یا سیاست‌های مشترک بین دو پدیده است. اما به‌طور معمول، این اصطلاح کاربردهایی در مورد مسائل سیاسی، اقتصادی و امنیتی بین دو کشور دارد. و به لحاظ سنتی از متدوال‌ترین نوع روابط در محیط بین‌المللی بوده است؛ زیرا کشورها از دیرباز به‌طور دوجانبه با هم ارتباط برقرار می‌کردند. آنها یکدیگر را به‌عنوان دولت به رسمیت شناخته و توافق می‌کردند که سفرانی را به پایتخت یکدیگر بفرستند. دوجانبه‌گرایی در مقایسه با یک‌جانبه‌گرایی، آزادی عمل کمتری در اختیار کشورها قرار می‌دهد؛ باین‌حال، این قابلیت را دارد که به تحقق منافع متقابل از طریق اقدام مشترک کمک کند (Legro, 2008, p. 296).

در مقایسه با دو مفهوم و مدل قبلی، چندجانبه‌گرایی ایده جدیدتری است و با توجه به همین مسئله تعاریفی که از آن وجود دارد در بسیاری از مواقع پیچیده است. به‌عنوان مثال، «رابرت کوهن» عقیده دارد که چندجانبه‌گرایی را می‌توان عملی برای هماهنگی سیاست‌های ملی در گروه‌های سه یا چند دولتی از طریق ترتیبات موقت یا از طریق نهادها تعریف کرد. کوهن عنوان می‌دارد که هرچند چندجانبه‌گرایی به ترتیبات مربوط به کشورها محدود می‌شود، روابط فراملی مهم است و موضوعات مربوط به اتحادهای تجارت بین‌المللی نیز جذاب هستند. بنابراین، می‌توان گفت دامنه چندجانبه‌گرایی بسیار گسترده است، حتی وقتی محدود به دولت‌ها باشد (Keohane, 1990, p. 731). بنابراین، تعریف کوهن از چندجانبه‌گرایی شامل (منحصراً) دولت‌ها و غالباً (نه منحصراً) مؤسساتی است که به‌عنوان «مجموعه‌ای از قوانین پایدار و متصل، رسمی و غیررسمی، تعریف می‌شوند که نقش‌های رفتاری، فعالیت محدود کننده را مشخص و انتظارات را شکل می‌دهند.» (Bouchard & Peterson, 2011, p 6). البته تعریف کوهن از چندجانبه‌گرایی از سوی برخی افراد مانند «جان جرارد راگی» به این دلیل که از

بعد کیفی (تأکید بر اصل) پدیده غافل شده مورد انتقاد قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، راگی به مقدمهٔ منشور سازمان ملل اشاره دارد که عنوان می‌کند چندجانبه‌گرایی به معنای ایجاد شرایطی است که در آن عدالت و احترام به تعهدات ناشی از معاهدات و سایر منابع حقوق بین‌الملل حفظ شود. بنابراین، چندجانبه‌گرایی شامل عدالت، تعهد و نوعی قانون بین‌المللی است. آنچه آن را متمایز می‌کند و بیش از تعداد اعضا یا درجهٔ نهادینه شدن اهمیت دارد، نوع روابط ایجاد شده است.

جان جرارد راگی، عنوان می‌دارد که در هستهٔ اصلی خود، چندجانبه‌گرایی به هماهنگی روابط بین سه یا چند کشور مطابق با اصول خاصی اشاره دارد. این اصول عبارتند از «۱. اصول کلی رفتار؛ ۲. تقسیم‌ناپذیری؛ ۳. نشر متقابل.» (Ruggie, 1992, p. 568). اصول کلی رفتار، قوانینی است که رفتار مناسب را در موقعیتی خاص، بدون توجه به ترجیحات فردی مشخص می‌کند. به‌عنوان مثال، در نهادی اقتصادی مانند صندوق بین‌المللی پول، این کاهش تعرفه‌های متقابل؛ اعمال ضمانت‌ها و تحریم برای اجرای قوانین جزء اصول کلی محسوب می‌شود. تقسیم‌ناپذیری مربوط به محدوده ای است که در آن هزینه‌ها و مزایا بین اعضا پخش می‌شود. به‌عنوان مثال، اگر مشکلات خاصی یک کشور را آزار دهد، برای هم‌تایان آن نیز تبعات به همراه خواهد داشت. به عبارت دیگر، اعضای مؤسسات چندجانبه‌انگیزه‌هایی برای همکاری پیدا می‌کنند که سهام آنها قابل تقسیم نیست. برای مثال، بحران ارزی که در تابستان ۱۹۹۷ در تایلند رخ داد، بحران مشابهی را نه تنها در کشورهای جنوب شرقی آسیا، بلکه در شمال شرق آسیا ایجاد کرد. مورد سوم هم بدین معنی است که دولت‌ها انتظار دارند به‌جای بهره‌مندی از مزایای هر موضوع از منافع کلی درازمدت بهره‌مند شوند. به عبارت دیگر، وقتی سه یا چند کشور سیاست‌های خود را هماهنگ می‌کنند، اغلب برای اعضای نهاد چندجانبه اجتناب‌ناپذیر است که منافع فوری خود را فدای منافع کل نهاد کنند. دستاوردهای مربوطه در نهایت تحقق می‌یابد، اما در طولانی‌مدت. بنابراین، عمل

متقابل از نظر زمان‌بندی و از نظر ذی‌نفعان پراکنده‌تر است (Fukushima, 1992, p. 9-11).

فارغ از اینکه چه اختلاف‌نظرهایی در مورد تعریف چندجانبه‌گرایی وجود دارد، این ایده که با هماهنگی کشورهای مختلفی می‌توان امور مشترک ملی، منطقه‌ای و حتی جهانی را پیش برد جذابیت خاصی برای کشورها پیدا کرده است. به‌ویژه آن دسته از کشورهایی که نسبت به نظم ایجاد شده پس از جنگ سرد و هژمونی ایالات متحده آمریکا انتقاد دارند. این کشورها عقیده دارند نظمی که پس از فروپاشی شوروی ایجاد شده، بستری برای هژمونی و یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده بوده است و بسیاری از مشکلاتی که جهان امروز با آن مواجه است ناشی از همین است. برای فائق آمدن بر این مسئله باید جهان به سمت چندقطبی شدن حرکت کند و در این میان همکاری بین کشورهای مختلف از طریق متوسل شدن به رویه‌های چندجانبه‌گرایی ضروری است. از جمله کشورهایی که از این ایده حمایت می‌کند فدراسیون روسیه است. از دید روسیه چندجانبه‌گرایی به نهادها و حوزه‌هایی مربوط می‌شود که شامل چندین کشور است که به‌طور پایدار و هماهنگ کار می‌کنند و این همکاری چندجانبه به‌عنوان ابزاری برای مدیریت روابط بین‌الملل روسیه مورد استفاده قرار می‌گیرد. روسیه چندجانبه‌گرایی را به‌عنوان ارزش و همچنین ابزار می‌داند و تعامل چندجانبه آن با توجه به منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی خاص برخی از مناطق و نهادهای موردنظر شکل می‌گیرد. تأکید مسکو بر چندجانبه بودن بدان معناست که روسیه روابط بین‌الملل را نتیجه‌ای با حاصل جمع صفر نمی‌داند و قائل به جهانی چندمرکزی است. البته مسئله‌ای که وجود دارد این است که سیستم بین‌المللی واقعاً چندقطبی محقق شود یا نه، این مفهوم برای سیاست خارجی روسیه بی‌نهایت جذاب‌تر از جهان تک‌قطبی است که تحت سلطه ایالات متحده است (Lee, 2010, p. 32). ایده نظام چندقطبی حاکی از این است که هسته مرکزی قدرت در نظام بین‌المللی باید شکسته شود و چندین مرکز قدرت، از جمله روسیه از دل آن بیرون بیاید. این راهبرد اولین بار از سوی «پریماکوف» وزیر خارجه روسیه در دهه ۱۹۹۰ مطرح شد.

پریماکوف عقیده داشت جهانی تک‌قطبی که توسط یک مرکز قدرت جهانی واحد (ایالات متحده) سازمان یافته باشد، برای روسیه قابل قبول نیست. برای تحقق این امر، سیاست خارجی روسیه باید به‌سوی جهانی چندقطبی حرکت کند که کنسرتی از قدرت‌های بزرگ مانند روسیه، چین و هند و همچنین ایالات متحده آن را اداره می‌کنند. بر اساس این چشم‌انداز، روسیه نباید به‌تنهایی با ایالات متحده رقابت می‌کرد؛ بلکه مسکو باید تلاش کند تا ایالات متحده را با کمک سایر قدرت‌های بزرگ محدود کند و خود را به‌عنوان بازیگری ضروری با حق رأی و تو معرفی کند، علاوه بر آن رضایت مسکو برای حل و فصل هر مسئله اساسی جامعه بین‌المللی ضروری باشد. (Rumer, 2019, p. 4). بنابراین، تعامل روسیه با نهادهای چندجانبه نیز از این چشم‌انداز قابل تفسیر است. به عبارت دیگر از طریق این نهادهای چندجانبه، مسکو می‌خواهد سیستم بین‌المللی را از یک قطب تحت سلطه ایالات متحده خارج کند. روسیه می‌خواهد با استفاده از این سازمان‌ها نظم جدید جهانی را تحقق بخشد که در آن قدرت و تصمیم‌گیری از فضای یورو - آتلانتیک به سمت قدرت‌های غیرغربی نوظهور تغییر جهت دهد و در سایه آن روسیه به‌عنوان قطب اصلی در سیستم چندقطبی در حال ظهور توانایی تسلط بر اوراسیا داشته، قدرت خود را افزایش و جایگاه بین‌المللی خود را تقویت کند (Stronski & Sokolsky, 2020, p. 3). تلاش‌های جدی برای بهره‌گیری از مزایای طرح‌های چندجانبه منطقه‌ای مانند سازمان همکاری شانگهای، سازمان پیمان امنیت جمعی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس، از جمله اقدامات روسیه در این زمینه است.

۲. چندجانبه‌گرایی روسیه در منطقه آسیا - اقیانوسیه

در دوران جنگ سرد با توجه به اینکه جو رقابتی بین دو بلوک شرق و غرب حاکم بود، روابط سایر کشورها با این دو ابرقدرت نیز سلسله‌مراتبی بود. بنابراین اگر همکاری هم بین این قدرت‌های بزرگ وجود داشت بیشتر وضعیت مرکز - پیرامونی داشت. با این حال، فرپاشی شوروی باعث شد که اولاً کشورهای جدیدی متولد شوند که دارای استقلال بیشتری هستند و ثانیاً بحث همکاری کشورها از

موضعی برابر مطرح شود. پدیده‌ای هم که در قالب فدراسیون روسیه از دل فروپاشی شوروی به وجود آمد از این قواعد مستثنی نبود. با توجه به ضعف نسبی فدراسیون روسیه در سال‌های پس از فروپاشی، مسکو تلاش داشت از طریق گسترش همکاری‌های چندجانبه نقش جدیدی را در محیط جدید تعریف کند. با این حال، ویژگی رفتار روسیه در اوایل دهه ۹۰ این بود که بیشتر بر تعامل با کشورهای غربی و در زمینه همکاری‌های چندجانبه بر روابط با نهادها در سطح جهانی و منطقه‌ای متمرکز بود که ایالات متحده و اتحادیه اروپا در آن حضور داشتند. به عنوان مثال، ورود روسیه به «گروه هفت» در سال ۱۹۹۷ و تبدیل آن به «گروه هشت» و ایجاد روابط مشارکت استراتژیک با اتحادیه اروپا (که آن هم از سال ۱۹۹۷ به اجرا درآمد) از جمله پیشرفت‌های مهم در جهت ادغام روسیه با با غرب بود (Koldunova, 2019, p. 165). حتی تمایل روسیه به همکاری‌های چندجانبه با کشورهای غربی در آغاز هزاره جدید نیز مشهود بود. برای نمونه در نشست سن پترزبورگ، ایده شکل‌گیری چهار فضای مشترک در امنیت داخلی، خارجی، علوم و آموزش و فرهنگ مطرح شد. حتی در سال ۲۰۱۰ بحث مشارکت برای مدرن‌سازی مطرح گردید. مشارکت اتحادیه اروپا - روسیه برای مدرنیزاسیون قرار بود کاتالیزوری برای همکاری اتحادیه اروپا و روسیه در فضاهای مشترک چهارگانه‌ای باشد که در سال ۲۰۰۵ در چهارچوب توافق‌نامه همکاری به آن اشاره شده بود (Larionova, 2014, p. 62).

با این حال، پس از روی کار آمدن ولادیمیر پوتین به عنوان رئیس‌جمهور روسیه (برای بار سوم) تغییری در جهت‌گیری کلی سیاست خارجی روسیه از غرب به شرق صورت گرفت؛ در اثر این تغییر، روسیه تلاش داشت محور همکاری‌های خود را با کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای از جمله در آسیا - اقیانوسیه گسترش دهد. منبای اعتقادی رهبران روسیه نیز از این ایده نشأت می‌گرفت که روسیه باید از طریق ایجاد روابط خیرخواهانه دوجانبه و چندجانبه با دولت‌ها و به‌ویژه سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی موجود در آسیا - اقیانوسیه از ادعای دیرینه مسکو به عنوان قطب مستقل از یک جهان چندقطبی حفاظت کند (Blank, 2017, p.)

4). علاوه بر این تا پیش از این تعامل روسیه با منطقه مذکور به‌طور سنتی به روابط دوجانبه، به‌ویژه با چین متکی بود. هرچند این روابط تا حدی خواسته‌های روسیه را تأمین می‌کرد، باعث شده بود روسیه از نهادهای منطقه‌ای و به‌ویژه شبکه نهادهای منطقه‌ای بیرون بماند. این امر باعث شده بود که روسیه نتواند از اهرم‌های سیاسی این شبکه‌های منطقه‌ای و همچنین مزایای اقتصادی و سرمایه‌گذاری که این نهادها داشتند استفاده کند (Østevik & Kuhrt, 2018, p. 83). این عوامل باعث شد که روسیه همکاری با نهادهای منطقه‌ای موجود در منطقه آسیا - اقیانوسیه را از جمله اولویت‌های سیاست خارجی خود در دوره سوم ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین قرار دهد. هرچند طیف گسترده‌ای از نهادهای منطقه‌ای وجود داشت که روسیه می‌توانست با آنها ارتباط برقرار کند؛ با این حال، دو نهاد منطقه‌ای آسه آن و آپک بیشتر مورد توجه قرار گرفت.

۱-۲. ارتباط روسیه و انجمن ملل جنوب شرقی آسیا (آسه آن)

انجمن ملل جنوب شرقی آسیا (آسه آن) گروهی منطقه‌ای است که همکاری اقتصادی، سیاسی و امنیتی را در بین اعضای خود دنبال می‌کند. سابقه شکل‌گیری این نهاد به سال ۱۹۶۷ بازمی‌گردد. در ۸ آگوست این سال، وزرای امور خارجه اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند در بانکوک تایلند سندی را امضا کردند و به موجب آن سند، انجمن ملل جنوب شرقی آسیا (آسه آن) تشکیل شد. سند امضا شده بین رهبران کشورها، سندی کوتاه و شامل پنج ماده بود. سند اعلام می‌داشت که این گروه انجمنی برای همکاری منطقه‌ای در میان کشورهای جنوب شرقی آسیا است و هدف آن همکاری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی، آموزشی و سایر زمینه‌ها و ارتقای صلح و ثبات منطقه‌ای از طریق رعایت احترام به عدالت و حاکمیت قانون و تبعیت از اصول منشور سازمان ملل است. همچنین بر اساس سند، پنج کشور بنیان‌گذار، یعنی اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند اعلان می‌کنند که انجمن برای مشارکت همه کشورهای منطقه جنوب شرقی آسیا که از اهداف، اصول و اهداف آن برخوردار هستند، باز خواهد بود (سایت رسمی آ.س.آن، ۱۳۹۹). مهم‌ترین اهداف آسه آن تسریع در رشد

اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و توسعه فرهنگی؛ ارتقای همکاری فعال و کمک متقابل در امور مورد علاقه مشترک؛ اطمینان از ثبات سیاسی و اقتصادی منطقه جنوب شرق آسیا و حفظ همکاری نزدیک با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای موجود با اهداف مشابه بود (Martin et al., 2016, p. 70)

هرچند بر اساس سند انجمن اعلام شده بود که عضویت برای سایر کشورهای جنوب شرق آسیا باز است، چندین سال طول کشید تا سایر کشورهای جنوب شرق آسیا به این سازمان ملحق شوند. به عنوان مثال، بروئی در سال ۱۹۸۴، ویتنام در ۱۹۹۵، لائوس و میانمار در ۱۹۹۷ و کامبوج در سال ۱۹۹۹ به این انجمن پیوستند. اما نکته جالب در مورد آسه آن این است که روابط خارجی آن بسیار سریع‌تر از روابط درون‌منطقه‌ای آن گسترش یافت. به‌گونه‌ای که در طی دو دهه پس از تأسیس، آسه آن شبکه‌ای از روابط همکاری‌جویانه را با جامعه اروپا، استرالیا، کانادا، ژاپن، نیوزیلند، ایالات متحده و برنامه توسعه سازمان ملل ایجاد کرد. پس از جنگ سرد نیز، آسه آن با چین، هند و فدراسیون روسیه روابط برقرار کرد. همین سیاست همکاری‌جویانه هم بود که آسه آن را بر آن داشت تا نقشی فعال در ارتقای گفتگو و همکاری بین‌منطقه‌ای داشته باشد. به همین دلیل است که امروزه بیشتر اعضای آسه آن در همکاری‌های اقتصادی آسیا - اقیانوسیه (آپک)، جلسات آسیا - اروپا (ASEM) و اخیراً در مجمع اقتصادی آسیا - آمریکای لاتین شرکت دارند (Wesley, 2003, p. 41).

همان‌گونه که عنوان شد، روابط روسیه با آسه آن به دوران پس از جنگ سرد بازمی‌گردد که در قالب گفتگوی روسیه - آسه آن و به‌واسطه شرکت معاون نخست‌وزیر وقت فدراسیون روسیه در جلسه افتتاحیه بیست و چهارمین نشست وزیران آسه آن در کوالالمپور به‌عنوان میهمان دولت مالزی، صورت گرفت. پس از آن روسیه در بیست و نهمین دوره نشست وزیران در ژوئیه ۱۹۹۶ در جاکارتا به یک شریک کامل آسه آن تبدیل شد. باین‌حال، تعامل بین آسه آن و روسیه در بالاترین سطح از طریق اولین اجلاس آسه آن و روسیه در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۵ در کوالالمپور مالزی تحقق یافت. در طی این اجلاس، آسه آن و روسیه بیانیه

مشترک سران کشورها/دولت‌های کشورهای عضو آسه آن و فدراسیون روسیه در مورد مشارکت مترقی و جامع را امضا کردند. اعلامیه مشترک بر مشارکت و همکاری روسیه و آسه آن در طیف وسیعی از زمینه‌ها، از جمله همکاری‌های سیاسی و امنیتی، اقتصادی و توسعه تأکید داشت (سایت رسمی آسه آن، ۱۳۹۹). «سرگی لاورف»، وزیر خارجه روسیه، عقیده دارد که اجلاس روسیه و آسه آن در کوالالامپور در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۵ رویدادی مهم در روابط روسیه با انجمن بود؛ چراکه در آن جلسه زمینه‌های اولویت تعامل روسیه با انجمن مشخص و کار عملی در مورد طیف وسیعی از موضوعات آغاز شد (Lavrov, 2010, p. 11).

دومین اجلاس سران آسه آن و روسیه نیز در سال ۲۰۱۰ در هائوئی ویتنام تشکیل شد که در آن طرفین تعهد خود را برای تحکیم و پیشبرد بیشتر مشارکت مترقی و جامع آسه آن - روسیه در جهت ارتقای روابط به سطحی بالاتر و همکاری نزدیک در زمینه پیشرفت معماری منطقه‌ای در آسیا و اقیانوسیه تأکید کردند. در سال ۲۰۱۱ نیز علی‌رغم اینکه هیچ تغییر عمده‌ای در روابط روسیه و آسه آن صورت نگرفته بود، مسکو به‌عنوان عضو انجمن همراه با ایالات متحده به این نهاد دعوت شد. بسیاری از کارشناسان عقیده دارند که علت این اقدام آسه آن تغییر در «اراده سیاسی» آسه آن به دلیل ترکیبی از عوامل، از جمله تغییر توازن قدرت منطقه‌ای و همچنین ظهور روسیه‌ای باثبات‌تر و قوی‌تر در داخل و نظام بین‌المللی بود. کشورهای منطقه به دنبال ایجاد سیاستی بودند که به آنها اجازه دهد از جبهه‌گیری بین چین که از نظر اقتصادی کاملاً با هم در ارتباط بودند و ایالات متحده که ضمانت امنیتی آنها در برابر هرگونه ماجراجویی توسط قدرت‌های نوظهور بود، جلوگیری کنند. این هدف آسه آن هم با تلاش روسیه برای بهبود حضور خود در آسیا و اقیانوسیه هم‌زمان شده بود. این منطقه با توجه به تمایل به داشتن سیاست خارجی متعادل‌تر و تغییر مداوم ژئوپلیتیک جهانی و اقتصاد جهانی به آسیا از اولویت بیشتری در داخل کرملین برخوردار شده بود. چرخش روسیه به شرق و میزبانی آپک در سال ۲۰۱۲ نیز در همین زمینه بود. (Kapoor, 2020, p. 6).

بحران اوکراین و متعاقب آن، افزایش تنش‌های مسکو با غرب نیز این تمایل روسیه را افزایش داد. «تا قبل از بحران اوکراین، روسیه آسه آن را بیشتر ابزاری برای به دست آوردن دسترسی به فرایندهای ادغام منطقه‌ای در حال رشد آسیا - اقیانوسیه تلقی می‌کرد. به دست آوردن جایگاهی در فرایند ادغام منطقه‌ای چیزی بود که مسکو تمایل داشت از طریق دستیابی به آن ادعاهای خود در مورد داشتن وضعیت قدرت بزرگ در منطقه آسیا - اقیانوسیه را اعتبار ببخشد» (Gorenburg & Schawrtz, 2019, p. 15). اما متعاقب بحران مسکو به دلایلی همچون ارتباط مشترک، انزوای روسیه پس از سال ۲۰۱۴ و ترس از وابستگی بیش از حد به چین، نگاه جدی به آسه آن داشت. به عنوان مثال روسیه به تدریج تبدیل به بخشی از اصلی‌ترین قالب‌های چندجانبه پیرامون آسه آن، از جمله نشست آسیا - اروپا، نشست شرق آسیا، نشست وزرای دفاع آسه آن شد (Ballegeer, 2019, p. 17). به همین منظور در سال ۲۰۱۶ در بیستمین سالگرد گفتگوهای روسیه و آسه آن، در قالب حرکت به سمت یک همکاری استراتژیک برای منافع متقابل، مسکو در سوچی میزبان نشست سران این نهاد با روسیه بود. در طول اجلاس، رهبران «اعلامیه سوچی» را تصویب کردند که در آن مسیر آینده روابط و همکاری آسه آن و روسیه ترسیم شده بود. اعلامیه سوچی شامل چندین بخش، از جمله همکاری سیاسی و امنیتی، همکاری اقتصادی، همکاری فرهنگی - اجتماعی، همکاری در محدود کردن شکاف توسعه و اتصال و همچنین بخشی از سازوکار اجرای این همکاری‌ها بود (tass, 2016). نشست فدراسیون روسیه - آسه آن در سال ۲۰۱۸ در سنگاپور نیز نقطه عطفی در روابط طرفین بود، چراکه یکی از نتایج این نشست ارتقای روابط به سطح مشارکت استراتژیک بود. علاوه بر این در این اجلاس همچنین بیانیه آسه آن - فدراسیون روسیه در مورد همکاری در زمینه امنیت و استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی تصویب شد و امضای تفاهم‌نامه بین آسه آن و کمیسیون اقتصادی اوراسیا در زمینه همکاری اقتصادی صورت پذیرفت (سایت رسمی آسه آن، ۱۳۹۹).

این همکاری‌های اقتصادی برای روسیه به دلیل تأثیر آن در ادغام بیشتر روابط

تجاری و اقتصادی حائز اهمیت بود. آسه آن نقش مهمی در ادغام اقتصادی منطقه‌ای و جهانی داشته است. این ویژگی آسه آن از جهت تلاش‌های روسیه برای ادغام اقتصادی منطقه‌ای از طریق نهادهای مشابه مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا، امتیازی قابل توجه است. انگیزه اصلی اتحادیه اقتصادی اوراسیا، افزایش همکاری‌های اقتصادی در فضای اوراسیا است و در این زمینه، برقراری روابط ممتاز با آسه آن از نظر افزایش جذابیت پروژه ادغام اوراسیا و نیز زمینه شکل‌گیری مشارکت اوراسیای بزرگ قابل توجه است. برای اتحادیه اقتصادی اوراسیا به‌عنوان بازیگر جوان بین‌المللی، همکاری با بازیگر باتجربه‌ای مانند آسه آن امکان آزمایش سازوکارهای نهادی و نظارتی تعاملات چندجانبه را فراهم می‌کند. تجربه آسه آن، هرچند ناقص، می‌تواند نقش مهمی در تنظیم مبادلات تجاری، به‌ویژه کاهش موانع تعرفه‌ای و از بین بردن محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای، توسعه تجارت الکترونیکی و همچنین ایجاد مناطق رشد اقتصادی از طریق مکانیزم‌های مشارکت عمومی و خصوصی داشته باشد. از دید روسیه، آسه آن همچنین بستری برای گفتگو و اجرای پروژه‌های اقتصادی چندجانبه بیشتر در فضای اوراسیا است. یکی از اصول اساسی آسه آن، اصل جدا کردن اقتصاد از سیاست است. بنابراین، تحریم‌های اقتصادی ضدروسی در صورت تصویب یا افزایش آن مانع از همکاری نمی‌شوند. همچنین با توجه به احتمال تبدیل شدن آسه آن به منطقه تجاری واحد و همچنین برنامه‌های آن برای تبدیل شدن به اقتصاد چهارم در جهان تا سال ۲۰۳۰ جنوب شرقی آسیا بازاری بالقوه امیدوارکننده برای محصولات کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌تواند باشد (Канаев & Королев, 2020, p. 64-65).

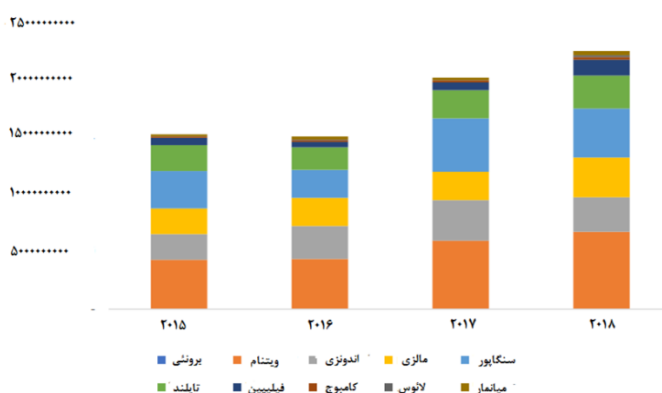
جدول ۱. شاخص‌های مقایسه‌ای اتحادیه اقتصادی اوراسیا و آسه آن

تولید ناخالص داخلی (تریلیون دلار)	گردش تجارت خارجی (تریلیون دلار)	جمعیت (میلیون نفر)	قلمرو (کیلومتر مربع)
۲/۲	۰/۸۸۷	۱۸۲/۱	۲۰۰۶۰۴۰۰
۲/۵۷	۲/۳۳۷	۶۲۵	۴۴۳۵۶۱۸

(Source: Зеленева, 2016: 59)

از طرف آسه آن نیز علی‌رغم تعدادی از محدودیت‌های داخلی، انجمن تمایل به تقویت روابط تجاری و اقتصادی با شرکای خارجی از طریق مشارکت آنها در مکانیزم‌های گفتگو با محوریت آسه آن دارد. این را می‌توان از سیاست ارتباط نهادی آسه آن با کشورها و نهادهای ثالث و شکل‌گیری همکاری متقابل دوجانبه و چندجانبه سودمند استنباط کرد. از جمله آنها می‌توان به مشارکت‌های گفتگوی کامل با: ایالات متحده، چین، روسیه و دیگران، شرکای گفتگوی بخشی (پاکستان، نروژ و غیره)، شرکای توسعه (آلمان)؛ گفتگو با تمرکز اقتصادی (نشست آسیای شرقی)، قالب استراتژیک ASEAN + 3 (چین، ژاپن، کره جنوبی)؛ ابتکارات اقتصادی آسه آن - محور و غیره اشاره کرد. در واقع وجود سیستم توسعه‌یافته‌ای از توافق‌نامه‌های تجاری ترجیحی و سایر توافق‌نامه‌های تجاری با شرکای خارجی نشان‌دهنده تمایل آسه آن به تجارت آزاد، چندجانبه‌گرایی، اولویت دادن انجمن به ادغام بیشتر در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی است. این اهداف اساس تأسیس جامعه اقتصادی آسه آن (AEC) در سال ۲۰۱۵ نیز بودند. بنابراین، برای آسه آن همکاری گسترده با اتحادیه اقتصادی اوراسیا از نظر وضعیت منطقه‌ای و جهانی آن مهم است. این فرصتی است که آسه آن اولین نهادی باشد که می‌تواند منطقه آزاد تجاری را با اتحادیه اقتصادی اوراسیا در اولویت قالب «ادغام ادغام‌ها» قرار دهد و از این طریق موقعیت جهانی انجمن را که منطقی‌تر در مفهوم نقش مرکزی آسه آن قرار می‌گیرد، تقویت کند. به‌ویژه که تعامل با اتحادیه اقتصادی اوراسیا هزینه‌های قابل‌توجهی را به‌همراه ندارد و هیچ خطری برای آسه آن ندارد. اتصال بالقوه اتحادیه اقتصادی اوراسیا به شبکه چندین مشارکت‌هایی مطابق با برنامه‌های بلندمدت آسه آن است که بخشی از آن متنوع‌سازی سیاست بین‌المللی آن، در درجه اول از طریق افزایش تعامل با سیستم‌های گفتگوی بین‌المللی و انجمنی است. بخش دیگر برنامه‌های بلندمدت آسه آن، افزایش رقابت‌پذیری آن در فضای دیجیتال است. مقامات و محافل تجاری کشورهای عضو آسه آن، چهارچوبی نظارتی برای توسعه فناوری‌های دیجیتال در جنوب شرقی آسیا ایجاد کرده‌اند. اسناد تصویب شده در این زمینه برنامه جامع فناوری اطلاعاتی و ارتباطی

آسه آن ۲۰۲۰^۱، توافق‌نامه توسعه یکپارچه‌سازی دیجیتال در آسه آن^۲ و غیره هستند. در این زمینه، آسه آن، نگاه خاصی به اتحادیه اقتصادی اوراسیا در زمینه توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در برنامه دیجیتال اتحادیه برای سال ۲۰۲۵ دارد. با اتصال اتحادیه به تعداد شرکای گفتگو، آسه آن می‌تواند نقش نیروی محرکه همکاری رادر حوزه دیجیتال «نه‌تنها در فضای آسیا – اقیانوسیه، بلکه در فضای اوراسیا "برجسته" کند» (Korolev & Kalachyhin, 2019, p. 5-6).



نمودار ۱. حجم تجارت متقابل بین اتحادیه اقتصادی اوراسیا و آسه آن (۲۰۱۵-۲۰۱۸)، به دلار

(Source: Korolev & Kalachyhin, 2019, p. 5-6)

بخش دیگری از توجه آسه آن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا، نیازمندی کشورهای عضو این نهاد به منابع انرژی به‌ویژه گاز طبیعی روسیه است. درحالی‌که زغال‌سنگ به‌عنوان بزرگ‌ترین منبع انرژی مصرفی باقی خواهد ماند، پیش‌بینی می‌شود که مصرف گاز طبیعی از سوی کشورهای آسه آن از ۱۸/۷ درصد (۱۱۶ Mtoe) در ترکیب انرژی در سال ۲۰۱۳ به ۲۲/۶ درصد (۳۷۴ Mtoe) در سال ۲۰۳۵ برسد. نکته جالب توجه اینکه در حال حاضر، کشورهای آسه آن خود صادرکننده منابع انرژی هستند، اما توسعه اقتصادی آنها نیاز به انرژی بیشتر را افزایش می‌دهد، بنابراین برای

^۱ASEAN ICT Master Plan 2020

^۲the Framework agreement for the development of digital integration in ASEAN

حفظ رشد تولید داخلی در سال‌های بعدی، کشورهای مذکور نیازمند واردات هستند. وضعیتی که قبلاً در مالزی اتفاق افتاد که در نهایت مجبور به واردات گاز طبیعی شد. از نظر روسیه و کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز آسه آن بازاری بدون بهره‌برداری ده و امیدوارکننده برای گاز طبیعی است. آنها نه تنها در حال گسترش اقتصاد خود هستند، بلکه با توجه متن تغییرات آب‌وهوایی تلاش می‌کنند تا با استفاده از منابع پاک‌تر و یادگیری از اشتباهات چین با افزایش آلودگی هوای ناشی از زغال‌سنگ مبارزه کنند. در این میان گاز طبیعی گزینه‌ای مؤثر است که کمتر از زغال‌سنگ آلودگی تولید می‌کند و امکان استفاده برای طیف وسیعی از فعالیت‌ها را دارد (Visenescu, 2018, p. 515-516).

۲-۲. ارتباط روسیه با سازمان همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (آپک)

سازمان همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (آپک) مجمعی بین‌دولتی برای افزایش تجارت، سرمایه‌گذاری و همچنین همکاری اقتصادی در منطقه آسیا و اقیانوسیه است. ایده آپک را ابتدا نخست‌وزیر اسبق استرالیا، باب هاوک، طی سخنرانی در ۳۱ ژانویه ۱۹۸۹ در سئول کره مطرح کرد. ده ماه بعد، دوازده اقتصاددان آسیا و اقیانوسیه برای تأسیس آپک در کانبرای استرالیا دیدار کردند. اعضای بنیان‌گذار این نهاد استرالیا، برونئی دارالسلام، کانادا، اندونزی، ژاپن، کره جنوبی، مالزی، نیوزلند، فیلیپین، سنگاپور، تایلند و ایالات متحده بودند. جمهوری خلق چین، هنگ‌کنگ و چین تایپه در سال ۱۹۹۱ به این نهاد پیوستند. مکزیک و گینه‌نو در سال ۱۹۹۳، شیلی در سال ۱۹۹۴ و پرو، روسیه و ویتنام نیز در سال ۱۹۹۸ در این نهاد عضو شده و اعضای آن را به ۲۱ کشور افزایش دادند (سایت رسمی آپک، ۱۳۹۹). ۲۱ کشور عضو آپک در چهار قاره قرار دارند و تقریباً ۵۰ درصد از جمعیت جهان، ۶۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی و ۵۰ درصد از تجارت بین‌المللی را در اختیار دارند (Weixing, 2013, p. 66). هدف اصلی این نهاد حمایت از رشد پایدار اقتصادی و رونق در منطقه آسیا - اقیانوسیه است و برنامه کاری این نهاد بر سه موضوع: ۱. آزادسازی تجارت و سرمایه‌گذاری؛ ۲. تسهیل تجارت؛ ۳. همکاری

اقتصادی و فنی، تمرکز دارد (سایت رسمی آپک، ۱۳۹۹).

همان‌گونه که عنوان شد، روسیه در سال ۱۹۹۸ به عضویت آپک درآمد. عضویت روسیه در این نهاد به‌وضوح نشان‌دهنده تمایل مسکو به مشارکت بیشتر در فرایندهای منطقه آسیا و اقیانوسیه و به‌ویژه گسترش روابط بین منطقه شرق دور روسیه و اقتصادهای نوظهور این منطقه بود. هرچند که در این دوره روابط تجاری روسیه به‌طور سنتی با کشورهای شوروی سابق و همچنین کشورهای اروپایی بود و گسترش روابط اقتصادی با کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه تأثیر محدودی بر کل اقتصاد روسیه داشت، برای منطقه شرق روسیه که شرکای تجاری اصلی آن کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه بودند؛ درگیری بیشتر روسیه در این منطقه از طریق ابزارهایی مانند آپک، پیامدهای قابل توجهی می‌توانست داشته باشد (Fukumoto, 1999, p. 122). اهمیت این موضوع برای مسکو را می‌توان از اظهارات سران روسیه در آن زمان نیز استنباط کرد؛ به‌عنوان مثال در سال ۲۰۰۳ ولادیمیر پوتین در یادداشتی عنوان داشت که شخصاً مایل به همکاری با ایالات متحده آمریکا، چین، هند، ژاپن و کشورهای جنوب شرقی آسیا و آمریکای لاتین هستم. سرمایه‌گذاران از کشورهای غربی و شرقی با قدرت برابر می‌توانند از فرصت‌های بازار موجود در قلمرو وسیع ما استفاده کنند. این امر به‌ویژه در مناطق شرق روسیه در سیبری و شرق دور که دارای منابع طبیعی مختلف و پتانسیل‌های لازم فنی و علمی هستند، قابل توجه است. بنابراین، کاملاً طبیعی است که ما تلاش کنیم با عضویت در آپک، از ظرفیت‌های آن برای وارد کردن پتانسیل‌های شرق روسیه در سازوکار ادغام اقتصادی که در حال حاضر در چهارچوب مجمع صورت می‌گیرد استفاده کنیم (Putin, 2003). با این حال، «اوگنی کاناو» استدلال می‌کند که در دوران پس از پیوستن به آپک روسیه بیشتر سیاست صبر - انتظار را در روابط با آپک دنبال می‌کرد که خود این سیاست ناشی از چند عامل بود.

نخست اینکه، اقتصاد راکد مناطق شرق روسیه مانع از تلاش‌های مسکو برای راه‌اندازی و ارائه همکاری مؤثر و هدف‌محور با آپک می‌شد. تلاش‌های صورت‌گرفته به وسیله دولت فدرالی برای حل مشکلات موجود نیز بیش از آنکه

راهگشا باشند بیشتر طرح‌های اعلانی بودند. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۹۶ مقدار منابع مالی برنامه‌ریزی شده برای برنامه فدرالی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی شرق دور روسیه برای سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۰۵، ۳۵ تریلیون روبل بود، درحالی‌که در واقعیت ۱۲ تریلیون روبل اختصاص داده شد و از آن هم تنها ۴/۷ تریلیون روبل به پروژه‌های طراحی شده تخصیص یافت. دوم اینکه، مسکو فاقد راهبردی هدف‌محور نسبت به آپک بود. مفهوم مشارکت روسیه در آپک در سال ۲۰۰۰ تصویب شد و آن هم کلی و فاقد ویژگی‌های جزئی بود. سوم اینکه، انگیزه‌های روسیه در پیوستن به آپک در ابتدا بیشتر سیاسی و شهرت‌طلبانه بود؛ چراکه روسیه تمایل داشت خود را به‌عنوان بازیگری بانفوذ در مرزهای شرقی خود نشان دهد. بنابراین تصمیم آپک برای پذیرش روسیه از سوی کارشناسان به‌عنوان پیروزی اقتضای - سیاسی بر منطق اقتصادی قلمداد می‌شد (Kanaev, 2012, p. 9). در مجموع به عقیده کاناوا، روسیه در ابتدا آمادۀ درگیر شدن فعال در آپک نبود، با این حال این رویه بعداً تغییر کرد و روسیه با ارائه پیشنهادهایی مانند ترانزیت کالا از آسیه به اروپا از طریق مرزهای روسیه و همچنین تحویل مواد خام، انرژی و فلزات غیرآهنی به کشورهای عضو آپک فعالیت خود را افزایش داد.

با وجود این، به‌زعم بسیاری از کارشناسان نقطه عطف در روابط روسیه با آپک در سال ۲۰۱۲ و از طریق میزبانی نشست آپک در ولادی وستوک به‌وجود آمد. روسیه درخواست خود برای میزبانی نشست آپک در ولادی وستوک را در سال ۲۰۰۶ ارائه داده بود، ولی چون این شهر زیرساخت‌های لازم را نداشت با پیشنهاد مسکو موافقت نشده بود. بنابراین میزبانی و رهبری آپک در سال ۲۰۱۲ مهم‌ترین اقدام چندجانبه روسیه بعد از میزبانی نشست «گروه‌جی ۸» در سال ۲۰۰۶ بود. به عبارت دیگر، میزبانی اجلاس ۲۰۱۲ آپک، گام رو به جلو بزرگ در تعامل مسکو با سازمان‌های چندجانبه در آسیا بود، فرایندی که شروع آن به اوایل دهه ۱۹۹۰ با مشارکت در مذاکرات شش‌جانبه برسر مسئله برنامه هسته‌ای کره شمالی برمی‌گشت. همچنین روسیه در سال ۱۹۹۴ به انجمن منطقه‌ای آسه آن پیوسته بود، در سال ۱۹۹۶ به شریک گفتگوی آسه آن تبدیل شد و در سال ۲۰۰۴

پیمان دوستی و همکاری را امضا کرده بود. در سال ۲۰۱۰، روسیه به همراه چین، ایالات متحده، ژاپن، کره جنوبی، هند، استرالیا و نیوزیلند در جلسهٔ وزرای دفاع آسه آن شرکت کرده بود و قبل از نشست آپک نیز به همراه ایالات متحده به اجلاس آسیای شرقی پیوسته بود (Kuchins, 2012). با این حال، آپک اولین و تنها مجمع بزرگ آسیا و اقیانوسیه بود که روسیه در آن عضویت داشت. «آپک ۲۰۱۲ اعلام رسمی روسیه برای آمادگی کامل خود برای تعامل جدی با منطقه آسیا و اقیانوسیه بود» (Richardson, 2014, p. 8).

چیزی که روسیه از نشست ۲۰۱۲ آپک انتظار داشت، بنا به گفتهٔ پوتین، آزاد شدن جریان تجارت و سرمایه‌گذاری برای تحریک رشد اقتصادی با در نظر گرفتن واقعیت‌های جدید، مانند پیوستن روسیه به سازمان تجارت جهانی بود. پوتین عقیده داشت که عضویت در سازمان تجارت جهانی به روسیه امکان مشارکت گسترده‌تر در تنظیم قوانین تجارت جهانی را می‌دهد؛ موضوعی که مورد توجه آپک نیز بوده است. به زعم وی، چشم‌انداز تازه روسیه در مورد مشکلات عینی و تناقضات داخلی سازمان تجارت جهانی می‌توانست مفید باشد (Putin, 2012). تعهداتی هم که در پایان این نشست از سوی رهبران کشورهای عضو در قالب بیانیه رهبران اعلام شد تا حد زیادی خواسته‌های روسیه را شامل می‌شد. تعهدات دوازده‌گانه‌ای که رهبران در نشست ولادی وستوک اعلام کردند عبارت بودند از: ۱. تسهیل و آزاد سازی تجارت و سرمایه‌گذاری؛ ۲. تقویت تقاضای داخلی، تسهیل ایجاد اشتغال، کاستن از کمبودها و بدهی‌های عمومی و اجرای اصلاحات ساختاری؛ ۳. حمایت از تلاش‌های اروپا برای حفظ انسجام منطقه یورو؛ ۴. کاهش عدم توازن با تقویت کسری بودجه (در پرداخت‌های خارجی) اقتصاد عمومی، تقاضای داخلی مازاد و انعطاف‌پذیری بیشتر نرخ ارز؛ ۵. افزایش سرعت حرکت به سمت رژیم‌های تعیین نرخ ارز تعیین شده به وسیلهٔ بازار؛ ۶. پرهیز از اصرار بر نرخ ارز نامناسب و کاهش ارز رقابتی؛ ۷. اطمینان از ثبات بلندمدت مالی در عین به رسمیت شناختن نیاز به بازیابی در داخل فضای مالی در سترس؛ ۸. تقویت سیستم تجارت چندجانبهٔ گنجانده شده در سازمان تجارت جهانی؛ ۹. شناسایی نسل بعدی از موضوعات

تجارت و سرمایه‌گذاری برای ادغام بیشتر اقتصادهای آپک و گسترش تجارت؛ ۱۰. تداوم تلاش‌ها برای بهبود جو سرمایه‌گذاری در منطقه؛ ۱۱. تقویت رشد سبز و تلاش برای شناسایی راه‌حل‌های عملی بر چالش‌های زیست محیطی؛ ۱۲. مبارزه با فساد برای افزایش شفافیت و مبارزه با کلاهبرداری، رشوه‌خواری و سوءاستفاده از منابع عمومی (See-Yan, 2015, p. 102).

به‌نظر کارشناسان، فارغ از تأمین برخی منافع روسیه، ازجمله در مورد آزادسازی تجارت و همچنین خواسته‌های روسیه در مورد سازمان تجارت جهانی نشست ۲۰۱۲ آپک از چند جهت دیگر نیز برای روسیه حائز اهمیت بود. «پائول ریچاردسون» عنوان می‌کند که مهم‌ترین نتیجه نشست، افزایش احساس قرار داشتن منطقه شرق روسیه در وضعیت وابستگی دوگانه بود. از طرفی، منطقه برای توسعه خود به تسریع روند ادغام اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری بین شرق روسیه و اقتصادهای پویای آسیا و اقیانوسیه وابسته بود. برای نمونه، مهم‌ترین شرکای تجاری منطقه پریمورسکی (که ولادی وستوک پایتخت منطقه است) در سال ۲۰۱۳، چین (۴۸ درصد)، کره جنوبی (۲۰ درصد) و ژاپن (۱۴ درصد) بودند. در منطقه پریمورسکی، تجارت خارجی در نُه ماهه اول سال ۲۰۱۳ در مقایسه با مدت مشابه در سال ۲۰۱۲، ۳۴ درصد افزایش داشت. درحالی‌که در کل منطقه شرق دور، تجارت در سال ۲۰۱۳ نسبت به سال قبل ۱۰ درصد افزایش یافته بود. گزارش‌های رسمی نیز حاکی از آن بود که سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد منطقه در سال ۲۰۱۳ بیش از چهار برابر رشد کرده است؛ ژاپن به‌عنوان سرمایه‌گذار اصلی با ۱,۱ میلیارد دلار و در رتبه‌های بعدی آلمان با ۴۴۰ میلیون دلار؛ چین با ۳۱ میلیون دلار و جمهوری کره با ۲۴ میلیون دلار قرار داشتند. از طرف دیگر هم‌زمان با وابستگی فزاینده به تجارت بین مرزی و سرمایه‌گذاری خارجی، این منطقه به مسکو و به برنامه‌های توسعه فدرال آن نیز وابسته بود. در اواخر سال ۲۰۱۳ اعلام شد که برنامه فدرال برای توسعه شرق دور و منطقه بایکال تا سال ۲۰۱۸ تمدید می‌شود و ۷۰۰ میلیارد روبل اضافی نیز به این منطقه اختصاص

می‌یابد (حدود ۲۱ میلیارد دلار). بنابراین از هر دو جهت این وابستگی به نفع منطقه بود (Richardson, 2014, p. 5-6).

همچنین اجلاس ۲۰۱۲ آپک گام مهمی در مشارکت روسیه در همکاری‌های چندجانبه منطقه‌ای بود. در دهه اول قرن ۲۱، دولت روسیه چندین پروژه بزرگ زیربنایی و صنعتی را در مناطق آسیایی این کشور راه‌اندازی کرده بود. درحالی‌که این پروژه‌ها ارتباط مستقیمی با دستور کار آپک نداشتند، هدف همه آنها افزایش توانایی‌های اقتصادی روسیه در آسیا و اقیانوسیه و تأکید بر اولویت‌های روسیه در همکاری‌های منطقه‌ای بود. احداث خط لوله انتقال نفت سیبری شرقی - اقیانوس آرام^۱ (از منطقه آمور روسیه به بندر کوزمینو^۲ در ساحل اقیانوس آرام منطقه پریمورسکی) بارزترین این پروژه‌ها بود. از دیگر اقدامات زیرساختی روسیه که منافع شرکای روسیه در منطقه را شامل می‌شد، توسعه حمل و نقل دریایی برای انرژی و کالاها از طریق مسیر قطب شمال بود. با پیشبرد این دو پروژه، روسیه سیگنال روشنی به هم‌تایان منطقه‌ای خود ارسال می‌کرد که پروژه‌های زیرساختی این کشور می‌توانند تأثیر منازعات بر تجارت بین‌المللی در دریای چین جنوبی را تا حدی با هدایت جریان انرژی و کالا از طریق راه‌های حمل و نقل جایگزین به حداقل برسانند (Koldunova, 2016, p. 547-8). همچنین براساس گزارش شورای روابط خارجی روسیه^۳ نشست آپک عامل مؤثری در تعیین منافع ملی روسیه در منطقه آسیا - پاسفیک بود؛ چراکه اکثر شرکت‌کنندگان روس و برخی از شرکت‌کنندگان خارجی در این نشست عقیده داشتند که منافع ملی روسیه در آسیا و اقیانوسیه برای آینده قابل پیش‌بینی باید بر زمینه‌های زیر متمرکز شود:

اقتصاد: دستیابی به نتایج ملموس، فوری و کیفی در توسعه سیبری و خاور دور؛ تحرک بیشتری برای توسعه یکپارچه روسیه (در همکاری نزدیک با اتحادیه گمرکی/فضای اقتصادی مشترک (CES)) و کشورهایی که به‌عنوان نزدیک‌ترین شرکای اقتصادی روسیه فعالیت می‌کردند؛ تحریک و تنوع بخشیدن به همکاری

^۱The East Siberia–Pacific Ocean (ESPO)

^۲Kozmino

^۳Russian International Affairs Council

اقتصادی روسیه با کشورهای همسایه منطقه آسیا - اقیانوسیه؛ افزایش بُعد و عمق حضور اقتصادی روسیه در منطقه و در نهایت افزایش سهم کل روسیه در تبدیل کردن منطقه به‌عنوان قطب جدید اقتصادی جهانی.

سیاسی و امنیتی: حفظ صلح و ثبات منطقه‌ای (از جمله امنیت مرزهای روسیه در شرق دور) به‌عنوان پیش شرط حفظ رشد اقتصادی بالا و یکی از ویژگی‌های اساسی کشورهای آسیا - اقیانوسیه در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم؛ حفظ پشتیبانی از روندهای چندمرکزی در سیاست‌های منطقه‌ای و در ایجاد امنیت جدید آسیا - اقیانوسیه و همچنین ساختار همکاری‌ها؛ مقابله با روندهای منجر به تشدید یا گسترش درگیری‌ها و دوقطبی شدن نیروها در منطقه (که بخشی از آن به دلیل افزایش رقابت بین ایالات متحده و چین است) و تقویت همکاری با کشورهای منطقه با اهداف مشابه.

فرهنگ (آموزش و رسانه‌های جمعی): ایجاد شرایط مطلوب در سبیری و شرق دور برای کار، تجارت، زندگی روزمره و تفریح که مطابق با انتظارات فعلی باشد و باعث تحریک مهاجرت کاری به منطقه، به‌ویژه جوانان (عمدتاً از بخش اروپایی روسیه، کشورهای اتحادیه گمرکی و سایر کشورها) شود؛ بهبود مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی در سبیری و شرق دور برای تقویت مؤلفه‌های ابتکاری غیراقتصادی این مناطق در روسیه و آوردن دانشجویان، استادان و محققان از کشورهای آسیا و پاسیفیک؛ تقویت روابط روسیه با منطقه و تدارک حمایت‌های ارتباطی از ابتکارات اقتصادی و سیاسی روسیه در فضای رسانه‌ای آسیا - اقیانوسیه با تمرکز بر ایجاد تصویری مثبت از فدراسیون روسیه به‌عنوان شریکی تأثیرگذار، صلح طلب، مستقل و سازنده در فرایندهای منطقه‌ای (Russian International Affairs Council, 2013, p. 11).

برخی عقیده دارند که روسیه بعد از اجلاس ۲۰۱۲ نتوانست آن ابتکاراتی را که در دوران ریاست خود بر این نهاد داشت، مجدداً به اجرا درآورد و مهم‌ترین دلیل آن هم مربوط به سیاست‌های داخلی روسیه بود. به‌عنوان مثال، به محض پایان ریاست روسیه بر آپک، تیمی که مسئولیت ابتکارات را به‌عهده داشت به سایر پروژه‌ها مانند

کمیسیون اقتصادی اوراسیا و «جی ۲۰» هدایت شد. سازمان‌های دولتی سطح مشارکت خود را در ابتکارات مربوط به آپیک به‌شدت کاهش دادند و نمایندگان مشاغل جلسات و محتوای شورای مشورتی بازرگانی را کاملاً نادیده گرفتند. تمام نمایندگان اصلی که بر کار آپیک نظارت می‌کردند به پروژه‌های اولویت‌دار جدید هدایت شدند، جامعه متخصصین به‌طور گسترده منحل شد و ترکیب نمایندگان تجارت روسیه در آپیک دچار تغییر شد (Magalif, 2013). با این حال از نشست ولادی وستوک به بعد، روسیه مشارکت فعالی در نشست‌های آپیک داشته است. برای نمونه در نشست ۲۰۱۴ آپیک در چین که مهم‌ترین موضوع آن از بین بردن موانع تجاری، به‌ویژه آغاز روند ایجاد منطقه آزاد تجاری ادر داخل آپیک بود، روسیه حضور داشت. این پروژه منطقه آزاد تجاری به‌عنوان جایگزین برای طرحی بود که ایالات متحده طی سال‌های آن ارائه کرده بود؛ یعنی: مشارکت ترانس پاسیفیک (TPP) که از طریق مذاکرات بین دوازده اقتصاد بزرگ منطقه (از جمله ایالات متحده، ژاپن، استرالیا و گرایش‌های ASEAN) شکل گرفته و به‌دنبال آزادسازی اساسی تجارت و رفع موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای بود (Gabuev, 2014).

در نشست ۲۰۱۶ آپیک نیز که دستور کار آن وضعیت اقتصادی جهانی، روندهای ادغام در منطقه آسیا و اقیانوسیه و توسعه منطقه آزاد تجاری در منطقه بود و در پرو برگزار شد، روسیه شرکت داشت و حتی ولادیمیر پوتین با «شینزو آبه»، نخست‌وزیر ژاپن، در پرو دیدار کرد تا در مورد اختلافات طولانی مدت ارضی بر سر جزایر اقیانوس آرام گفتگو کند. پوتین همچنین اولین مذاکرات خود را با «رودریگو دوترت»، رئیس‌جمهور فیلیپین، برای بحث در مورد امکان تأمین گاز مایع و منابع هیدروکربن‌های روسیه به مانیل انجام داد (Reuters, 2016). در نشست ۲۰۱۸ هم که در گینه پاپوا برگزار گردید «دیمتری مدودف» نخست‌وزیر روسیه حضور داشت و در سخنرانی خود اظهار داشت که منطقه آسیا و اقیانوسیه در مرکز فرایندهای جهانی قرار دارد. روسیه بخشی از این منطقه است، کشوری که اکنون و آینده خود را در ارتباط نزدیک با منطقه آسیا و اقیانوسیه می‌داند و معتقد است که برای غلبه بر این

¹ Free trade area (FTA)

چالش‌ها، اعتماد به مواضع مشترک توافق‌شده ضروری است. دلایل همکاری کشورهای منطقه از دیدگاه مدودف عبارت بودند از:

اقتصاد جهانی به قوانین تجاری شفاف و باز نیاز دارد؛ بنابراین، ترکیب تلاش‌ها برای بهبود اثربخشی سازمان تجارت جهانی و نقش نظارتی آن، هدفی اصلی است. مانند بسیاری از کشورها، روسیه عقیده دارد که سازمان نیاز به مدرنیزه شدن دارد، اما بدون تضعیف نفوذ یا تضعیف اصول اساسی کار، چه رسد به برچیدن آن که به معنای سقوط تجارت متمدن است. مبانی نهادی تجارت بین‌الملل که توسط سازمان تجارت جهانی شکل گرفته است نیز باید حفظ شود تا ادغام اقتصادی منطقه‌ای را بیشتر عمق ببخشد.

دلیل دوم برای همکاری، ایجاد پیوندهای زیرساختی در منطقه است. اگر به نقشه جهان نگاه کنید مشخص می‌شود که کشورها از هم جدا هستند. با این حال، این مانع نمی‌شود که مردم ما بهتر و بهتر یکدیگر را بشناسند، همکاری‌های علمی و فرهنگی را توسعه دهند و ثابت کنند که هیچ فاصله‌ای مانعی برای کسانی نیست که به دنبال برقراری روابط خوب هستند.

دلیل سوم، استفاده کارآمد از منابع انرژی موجود است که برای اجرای برنامه توسعه پایدار و جامع در منطقه آسیا و اقیانوسیه ضروری است. طبق پیش‌بینی‌ها، منابع انرژی تجدیدپذیر، با همه ارتباط و پشتیبانی‌ها، قادر به تأمین نیازهای روبه‌رشد منطقه نخواهند بود. در مورد پتانسیل گسترده انرژی هسته‌ای نیز می‌توان همین را گفت. بنابراین، انواع متداول سوخت همچنان متداول خواهند بود، گاز طبیعی سازگار با محیط زیست و کارآمدترین آنها است.

دلیل چهارم، ایجاد ظرفیت‌های بنگاه‌های خرد، مشاغل کوچک و متوسط است که به‌عنوان نیروی محرکه رشد اقتصادی در منطقه قلمداد می‌شوند. در اینجا -روسیه- به‌طور فعالانه از تجربه شرکای آپک خود استفاده می‌کنیم که احتمالاً از این لحاظ حتی بیشتر از کشور ما پیشرفت کرده اند (Medvedev, 2018).

نتیجه‌گیری

این پژوهش استدلال داشت که هم‌زمان با روی کار آمدن ولادیمیر پوتین به

رئیس‌جمهوری روسیه برای بار سوم در سال ۲۰۱۲ و همچنین چرخش به شرق روسیه این تفکر نیز در ایده چندجانبه‌گرایی روسیه تقویت شد که مسکو باید ارتباط خود را با نهادها و سازمان‌های فرامنطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه در آسیا - اقیانوسیه گسترش دهد. بر همین اساس، مسکو اقدام به برقراری ارتباط با برخی از مهم‌ترین نهادهای چندجانبه این منطقه از جمله انجمن ملل جنوب شرقی آسیا (آسه آن) و سازمان همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (آپک) کرد. هرچند بهره‌بردن از مزایای اقتصادی این نهادها با توجه به تأثیرگذاری آنها در اقتصاد منطقه‌ای و جهانی به‌عنوان یکی از دلایل گرایش روسیه به این نهادهای چندجانبه عنوان شده است، این پژوهش استدلال داشت که همکاری روسیه با این سازمان‌ها را باید در قالب جهان بینی بزرگ‌تری قرار داد و آن هم حاکی از این است که تعامل روسیه با نهادهای چندجانبه آسیا - اقیانوسیه متأثر از چشم‌اندازی دیرینه در سیاست خارجی این کشور است که می‌خواهد سیستم بین‌المللی را از نظم تک‌قطبی تحت سلطه ایالات متحده به نظمی چندقطبی تغییر دهد. به عبارت دیگر، روسیه می‌خواهد با استفاده از این سازمان‌ها نظم جدید جهانی را تحقق بخشد که در آن قدرت و تصمیم‌گیری از فضای یورو - آتلانتیک به سمت قدرت‌های نوظهور غیرغربی حرکت کند تا روسیه را به‌عنوان قطب اصلی در سیستم چندقطبی در حال ظهور با توانایی تسلط بر اوراسیا قرار دهد. البته در این بین، نگاه اصلی روسیه به نهادهایی است که خود مسکو زمینه شکل‌گیری و تقویت آنها را فراهم کرده و در آنها نقش رهبری دارد. با این حال مسکو ارتباط با نهادهای چندجانبه دیگر، از جمله آسه آن و آپک و دیگر سازمان‌های منطقه‌ای را ابزاری برای تقویت دیدگاه چندجانبه‌گرایی و همچنین برای توسعه نهادهای چندجانبه خود، به‌عنوان مثال از طریق پذیرش اعضای جدید از سازمان‌های دیگر می‌داند. و این امر بیشتر ناشی از تغییر در بنیان‌های فکری سیاست خارجی روسیه است که از فضای دولت‌محور جنگ سرد بیرون آمده و اهمیت بیشتری را به نقش سازمان‌ها در نظام بین‌المللی قائل می‌شود. هرچند که راه زیادی را در این حوزه در پیش دارد.

منابع

- Ballegeer, A. (2019). *Russia's Pivot East, A contemporary Potemkin village?* Centre d'étude des crises ET conflits internationaux, Note d'analyse, No. 63.
- Bertele, M., & Mey, H.H. (1998). Unilateralism in theory and practice. *Comparative Strategy*, 17(2), 197-207.
- Blank, S. (2017). Russia's 'Pivot to Asia': The Multilateral Dimension. *National Bureau of Asian Research*, June, 28.
- Bouchard, C., & Peterson, J. (2011). Conceptualising Multilateralism: Can we all just get along. Mercury E-paper, 1.
- Fukumoto, M. (1999). *Russia's Participation in APEC and Economic Development in the Far East*. APEC study center and institute of developing economies.
- Fukushima, A. (1999). Japanese foreign policy: The emerging logic of multilateralism. Springer. Chicago.
- Gabuev, A. (2016). Friends with Benefits? Russian–Chinese Relations after the Ukraine Crisis. Carnegie Moscow Center.
- Gorenburg, D., Schwartz, P. (2019). Russia's Relations with South-East Asia. IFRI. *Russie. Nei. Reports*, (26), 1-51.
- Kanaev, E. (2012). Russia and APEC: looking back, looking forward. *ERINA report*, 104.
- Kapoor, N. (2020). Russia's Relations in Southeast Asia since 2014: Continuity and Change. **Observer Research Foundation**. *Occasional Papers*. No. 267.
- Keohane, R. O. (1990). Multilateralism: an agenda for research. *International journal*, 45(4), 731-764. Chicago
- Koldunova, E. (2016). Russia and Regional Institutions in the Asia-Pacific Region. *Russian Politics & Law*, 54(5-6), 516-532.
- Koldunova, E. (2016). Russia's Involvement in Regional Cooperation in East Asia: Opportunities and Limitations of Constructive Engagement. *Asian Survey*, 56(3), 532-554.
- Korolev, A., & Kalachyhin, H. (2019). The Eurasian Dimension: Does EAEU-ASEAN Format Have A Future?. *Higher School of Economics Research*

Paper .WP BRP, No. 34.

- Kuchins, A. (2012). *Russia Hosting the APEC Summit in Vladivostok: Putin's "Tilt to Asia"*. Available at: <https://www.csis.org/analysis/russia-hosting-apec-summit-vladivostok-putins-tilt-asia>.
- Larionova, M. (2015). Can the Partnership for Modernisation Help Promote the EU–Russia Strategic Partnership?. *European Politics and Society*, 16(1), 62-79. Chicago.
- Lavrov, S. (2011). Russia and ASEAN can achieve a great deal together. *International Affairs*, No.12.
- Legro, J. W. (2008). Bilateralism. In *International Encyclopedia of the Social Sciences*. volume 1, 2nd edition, edited by William A Darity, Macmillan Reference: USA.
- Martin, F.; Scott-Keltie, J.; Epstein, M.; Steinberg, S.; Paxton, J.; Hunter, B. & Turner, B. (2016). *The Statesman's Yearbook 2015: The Politics, Cultures and Economies of the World*. Macmillan Publishers Ltd.
- Østevik, M., & Kuhrt, N. (2018). *The Russian Far East and Russian Security Policy in the Asia-Pacific Region*. In *Russia's Turn to the East* (pp. 75-94). Palgrave Pivot: Cham.
- Richardson, P. (2014). Russia's Turn to Asia: China, Japan, and the APEC 2012 Legacy'. *Russian Analytical Digest*, 145, 5-8.
- Ruggie, J. G. (1992). Multilateralism: the anatomy of an institution. *International organization*, 561-598.
- Sochi declaration, plan of cooperation with Russia adopted at Russia-ASEAN summit*. (2016). Available at: <https://tass.com/economy/877229>.
- Visenescu, R. S. (2018). Russian-ASEAN cooperation in the natural gas sector. Lessons from the Russian-Vietnamese relation. *Energy Policy*, 119, 515-517.
- Weixing, H. (2013). Building Asia-Pacific Regional Institution: the Role of APEC. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 77, 65-73.
- Wesley, M. (2003). *The Regional Organizations of the Asia-Pacific* (p. 97). New York: Palgrave Macmillan.
- Зеленева, И. В. (2016). Перспективы интеграции больших пространств-АСЕАН и ЕАЭС. Вестник РГГУ. Серия: Политология. История. *Международные отношения*, 1 (3).
- Канаев, Е. А. & Королев, А. С. (2020). ЕАЭС И АСЕАН: результаты и перспективы сотрудничества. *Мировая экономика и международные отношения*, 64(1), 64-72.